



باستان شناسی و هنر شاهنشاهی هخامنشی در مصر

هنری کولبرن

ترجمه علی اصغر سلحشور

به نام آنکه جان را فکرت آموخت

سرشناسه	:	کولبرن، هنری پی. Colburn, Henry P.
عنوان و نام پدیدآور	:	باستان‌شناسی و هنر شاهنشاهی هخامنشی در مصر / نویسنده هنری کولبرن؛ مترجم علی‌اصغر سلحشور.
مشخصات نشر	:	تهران: آوشت، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری	:	۵۳۰ ص.: مصور، جدول، نقشه.
شابک	:	978-622-94829-7-1
وضعیت فهرست نویسی	:	فیپا
یادداشت	:	archaeology of empire in achaemenid egypt
یادداشت	:	کتابنامه: ص. ۴۴۲ - ۵۱۲.
یادداشت	:	نمایه.
موضوع	:	هنر مصری -- تأثیر ایران Art, Egyptian -- Iranian influences
		هنر هخامنشی -- تأثیر مصر Art, Achaemenid -- Egyptian influences
		هنر ایرانی -- تأثیر مصر Art, Iranian -- Egyptian influences
		باستان‌شناسی و هنر -- مصر Archaeology and art -- Egypt
موضوع	:	مصر -- آثار تاریخی Egypt -- Antiquities
شناسه افزوده	:	سلحشور، علی‌اصغر، ۱۳۶۴- مترجم
شناسه افزوده	:	Salahshoor, Ali Asghar
رده بندی کنگره	:	ND۳۹
رده بندی دیویی	:	۷۰۹/۵۵
شماره کتابشناسی ملی	:	۹۲۲۲۰۳۲
اطلاعات رکورد کتابشناسی:	:	فیپا

باستان‌شناسی و هنر شاهنشاهی هخامنشی در مصر

نویسنده: هنری کولبرن
مترجم: علی اصغر سلحشور
انتشارات دانشگاه ادینبورگ
سال انتشار: ۲۰۲۰ میلادی



باستان شناسی و هنر شاهنشاهی هخامنشی در مصر

نویسنده	هنری کولبرن
مترجم	علی اصغر سلحشور
طراح جلد	امید معاریان
طراحی و تولید	نشر آوشت
سال نشر	اول ۱۴۰۲
شمارگان	۵۰۰ نسخه
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۹۴۸۲۹-۷-۱
چاپ و صحافی	مشکی

مرکز بخش و تولید

تهران، خ انقلاب، خ ۱۲ فروردین، خ وحید نظری غربی، پ ۹۹، واحد ۸

☎ ۶۶۴۰۳۸۱۳ ؛ ۶۶۴۰۳۸۳۰

www.avasht.com ☎ @avashtpublishers ☎ 0910_0764142☎

❶ کلیه حقوق مادی و معنوی این اثر برای انتشارات آوشت محفوظ است.

فهرست مطالب

پیشگفتار مترجم	۱۹
سپاسگزاری و قدردانی	۲۳
یادداشتی درباره قواعد و اختصارات	۲۷
پیشگفتار ویراستار مجموعه	۲۹
فصل یکم: بررسی مصر دوره هخامنشی	۳۳
۱. تناقض مصر هخامنشی	۳۳
دیدگاه‌های باستانی و مدرن نسبت به پارسیان	۴۱
رویکردهایی به شاهنشاهی هخامنشی در مصر	۴۷
خط مشی ناچیزی و کمبود	۴۸
مانع فاصله	۵۰
چیرگی قومی - طبقاتی	۵۵
فراتر از پارسیان و مصریان	۵۸
ساختارهای تاریخ	۶۱
هویت‌های فردی	۶۴
ساختار کتاب	۶۸
فصل دوم: تجارب شهری: ممفیس	۷۳
تعادل دو سرزمین	۷۳
چشم‌انداز شهری ممفیس در دوره متأخر	۷۷
کاخ آپریس	۹۱
حضور نظامی	۱۰۰
مدیریت	۱۰۷
پیوستگی و دگرگونی	۱۳۸

۱۴۳.....	آیین آپیس
۱۵۳.....	تجارب فردی
۱۵۴.....	آرامگاه‌ها و دیگر یادمان‌های تدفینی
۱۶۶.....	نام‌ها در پاپیروس‌های سقاره
۱۷۱.....	تجارب ناهمگن در ممفیس دوره هخامنشی
۱۷۵.....	فصل سوم: تجارب روستایی: صحرای غربی.....
۱۷۵.....	مسئله صحرا.....
۱۷۷.....	بستر جغرافیایی و تاریخی واحه‌ها
۱۸۳.....	آبیاری
۱۸۸.....	خاستگاه و انتشار فناوری قنات
۱۹۴.....	آبیاری و شاهنشاهی
۱۹۷.....	معابد
۱۹۸.....	عین مناویر
۲۰۱.....	دوش
۲۰۲.....	قصر القویده
۲۰۴.....	هییس
۲۱۸.....	آمهدا
۲۱۹.....	شاه بزرگ به منزله سازنده معبد
۲۲۲.....	پیشگامان صحرای غربی
۲۲۷.....	یکپارچگی پس کرانه (مناطق داخلی سرزمین)
۲۲۹.....	فصل چهارم: بازنمایی و هویت
۲۲۹.....	هنر مصری و فرمانروایی هخامنشی
۲۳۳.....	فقر هنری و مصر دوره هخامنشی
۲۳۶.....	معیارهای تاریخگذاری
۲۳۶.....	کتیبه‌ها
۲۳۷.....	حالت یا ژست پارسی

جامه پارسی	۲۴۲
واقع گرایی	۲۴۶
فرایندهای شکل گیری مدارک تاریخی هنر	۲۵۰
فقر هنری در مصر هخامنشی: جمع بندی	۲۶۰
مطالعات موردی	۲۶۱
تندیس داریوش از شوش	۲۶۱
تصاویر سلطنتی دیگر	۲۷۳
نقوش برجسته تدفینی	۲۸۳
هوروجا و پتاختپ	۲۹۲
اوجا هورسنت	۳۰۰
بازنمایی و هویت در مصر دوره هخامنشی	۳۱۳
فصل پنجم: عادت ها و رویه های اجتماعی: نوشیدن مانند یک پارسی	۳۱۵
غذا، هویت و جایگاه	۳۱۵
غذا خوردن و نوشیدن در پارس	۳۱۸
میز سلطنتی	۳۱۸
فرا تر از میز سلطنتی	۳۳۲
ظروف هخامنشی مختص نوشیدن در مصر	۳۳۹
پیاله ها و تکرک ها	۳۴۰
کاسه های هخامنشی	۳۴۷
نوشیدن مانند یک پارسی	۳۵۵
میراث نوشیدن پارسی	۳۶۰
فصل ششم: مسکوکات و اقتصاد مصری	۳۶۳
اقتصاد ساتراپی	۳۶۳
سکه و پول در مصر سده پنجم پ.م	۳۶۵
سکه های یونانی و خراج مصری	۳۷۰
نقره آریاندیک	۳۸۰

۳۸۴.....	سکه چهار درهمی آتنی در مصر.....
۳۹۳.....	سکه‌های چهار درهمی در دوره دوم حضور پارسیان.....
۳۹۸.....	تأثیر فرمانروایی هخامنشی بر اقتصاد مصر.....
۴۰۱.....	فصل هفتم: تجربه مصر هخامنشی.....
۴۰۱.....	پایان فرمانروایی هخامنشی.....
۴۰۸.....	پیوستگی و دگرگونی‌های ساختاری.....
۴۱۱.....	هویت و تجربه.....
۴۱۵.....	تجربه کردن فرمانروایی هخامنشی.....
۴۲۱.....	منابع.....
۴۸۹.....	نمایه.....

فهرست تصاویر

- نقشه ۱: سرزمین مصر که مکان‌های نامبرده شده در متن کتاب را در بر می‌گیرد و توسط نویسنده از نقشه ویکی مدیا کامنز (WIKIMEDIA COMMONS) بر اساس مجوز کرییتیو کامنز (CREATIVE COMMONS) اقتباس شده است. ۳۱.....
- نقشه ۲: شاهنشاهی هخامنشی که شهرها و مسیرهای اصلی و مهم را نشان می‌دهد. طراح آ. ج. رنو. ۳۲.....
- تصویر ۱۰۲: نقشه ممفیس باستان. طرحی از نگارنده با اقتباس از طرح پتری (1909A, PL. 1). ۸۰.....
- تصویر ۲۰۲: نقشه خانه‌های اطراف کاخ مرنپتاح، تصویری از پتری (1909A, PL. 27) که تحت لوای مالکیت عمومی قرار دارد. ۸۲.....
- تصویر ۳۰۲: نقشه سقاره. طرحی از نگارنده با اقتباس از تامپسون (۲۰۱۲): ۸۴.....
- تصویر ۴۰۲: نقشه ابوصیر که توسط نگارنده با اقتباس از طرح بارش (۱۹۹۹): ۸۶.....
- تصویر ۵۰۲: نقشه کاخ آپریس، ممفیس. تصویری از پتری (1909B, PL. 1)، تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۹۲.....
- تصویر ۶۰۲: طرحی از صحنه‌های دروازه کاخ آپریس در ممفیس. تصویری از پتری (1909B, PL. 9)، تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۹۵.....
- تصویر ۷۰۲: نقش برجسته‌های سنگ آهکی دروازه کاخ آپریس در ممفیس. تاریخ تقریبی سده ششم تا پنجم پ.م. ۲۲۲ سانتیمتر بلندا، ۲۰۸ سانتیمتر پهنا و ۱۱.۵ سانتیمتر ضخامت. نیویورک، موزه هنر متروپولیتن

- تصویر تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر است. (09.183.1A1-23). ۹۶.....
- تصویر ۸.۲: طرح‌ها و نوشته‌های آرامی و نیز قطعات و پولک‌های مفرغی و آهنی زره یافت شده از کاخ آپریس در ممفیس. تصویری از پتری (1909B, PL. 16) با مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۹۹.....
- تصویر ۹.۲: سرتیرهای کاخ آپریس در ممفیس. تصویری از نوبل و همکاران (۱۹۱۱: لوح ۲۰)، تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۱۰۱.....
- تصویر ۱۰.۲: طرح‌های برجسب‌های چوبی کاخ آپریس در ممفیس با کتیبه‌های آرامی و دموتیک. تصویری از پتری و همکاران (۱۹۱۰: لوح ۳۴)، تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۱۰۹.....
- تصویر ۱۱.۲: گِلمهرهای کاخ آپریس در ممفیس با اثر مهر روی آنها. تصویری از پتری و همکاران (۱۹۱۰: لوح ۳۵)، تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۱۱۲.....
- تصویر ۱۲.۲: طرح‌های اثر مهرهای باقی مانده روی گِلمهرهای کاخ آپریس در ممفیس. تصویری از پتری و همکاران (۱۹۱۰: لوح ۳۶)، تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۱۱۳.....
- تصویر ۱۳.۲: طرح‌های گِلمهرهای دیگری از کاخ آپریس در ممفیس: تصویری از پتری (1909B, PL. 15) و پتری و همکاران (۱۹۱۰: لوح ۳۷)، تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۱۱۴.....
- تصویر ۱۴.۲: طرح خطی ترکیبی از اثر مهر PFUTS 136* (طراح م. ب. گریسن)؛ برگرفته از طرح پژوهشی مهر تخت جمشید و طرح پژوهشی بایگانی باروی تخت جمشید، موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو. ۱۲۸.....
- تصویر ۱۵.۲: طرح خطی ترکیبی اثر مهر PFATS 184s (طراحی توسط ا. ر. م. دوسینبر). برگرفته از طرح پژوهشی بایگانی باروی تخت جمشید، موسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو. ۱۳۰.....
- تصویر ۱۶.۲: کاشی لعابدار یافت شده از شوش، ایران، سده ۶ تا ۵ پ. م، آجر سیلیسی، بلند ۳۶ سانتیمتر و پهنا ۳۱ سانتیمتر، موزه لوور پاریس با

- شماره ثبت SB 3336، بر اساس تصویری از توسکان (۱۹۱۶: تصویر ۱)؛ تحت
 لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر..... ۱۳۴
 تصویر ۱۷.۲: طرحی از اثر مهر ۱۰۰ گوردیون، برگرفته از بایگانی گوردیون در
 موزه پن. بر اساس طرحی از السپت دوسینبر..... ۱۳۶
 تصویر ۱۸.۲: سربیک شاه هخامنشی که به تندیس کوچکی تعلق داشته
 است. حدوده سده پنجم پ.م از جنس ماسه سنگ. بلند ۱۷ سانتیمتر،
 استراسبورگ، مؤسسه مصرشناسی، دانشگاه استراسبورگ، با شماره ثبت
 ۱۶۰۴. تصویری از اسپیکلبرگ (1909A, PL. 16)، تحت لوای مالکیت عمومی
 و بدون حق چاپ و نشر..... ۱۴۱
 تصویر ۱۹.۲: جزئیات استل یافت شده از سراپیوم در سقاره که کمبوجیه را
 نشان می‌دهد که در برابر گاونر آپیس زانو زده است، ۵۲۴ پ.م، از جنس
 سنگ آهک، ۶۶ سانتیمتر بلند و ۴۴ سانتیمتر پهنا. پاریس موزه لوور
 (LOUVRE IM 4133)، طرحی از نگارنده بر اساس تصویری از کورت (۲۰۰۷:
 تصویر ۴.۳)..... ۱۴۷
 تصویر ۲۰.۲: نقشه خانه آپیس، ممفیس. طرحی از نگارنده بر اساس
 تصویری از آنتیس (۱۹۵۹: لوح ۴۱)..... ۱۵۰
 تصویر ۲۱.۲: نقشه گورچاهی‌های (گورشافت‌های) ابوصیر. طرحی از
 نگارنده بر اساس تصویری از کوپنز و اسملاریکوا (۲۰۰۹: تصویر ۱)..... ۱۵۹
 تصویر ۱.۳: تصویر ماهواره‌ای از واحه‌های خارجه و داخله در سال ۲۰۱۹،
 IMAGE © GOOGLE, ORION-ME. نام مکان‌ها توسط نگارنده افزوده شده
 است..... ۱۷۸
 تصویر ۲.۳: طرحی شماتیک از یک قنات. طراح نگارنده با اقتباس از
 ویلشن (۲۰۰۶: تصویر ۱۸.۲)..... ۱۸۴
 تصویر ۳.۳: نقشه معبد آزیریس در عین مناویر و ساختمان متصل به آن،
 بر اساس طرحی از نگارنده با اقتباس از ووتمن و همکاران (۱۹۹۴: تصویر
 ۴)..... ۱۹۹

- تصویر ۴۰۳: نقشه معبد قصر القویده، بر اساس طرحی از نگارنده با اقتباس از دارنل و همکاران (۲۰۱۳: تصویر ۲). ۲۰۴
- تصویر ۵۰۳: چپ: معبد هیبیس در سال ۱۹۰۸. تصویری از وینلاک (۱۹۰۹: تصویر ۲)، تحت مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. راست: معبد هیبیس در سال ۲۰۱۲. عکسی از ت. لندواتر که با اجازه او بازنشر شده است. ۲۰۵
- تصویر ۶۰۳: نقشه طبقه اول معبد هیبیس. بر اساس طرحی از نگارنده با اقتباس از دیویس (۱۹۵۳: لوح ۱). ۲۰۶
- تصویر ۷۰۳: طرح خطی نقوش برجسته دیوار غربی جایگاه یا محوطه مقدس (A) در معبد هیبیس که داریوش را به منزله فرعون نشان می‌دهد که پیشکش‌هایی را به خدایان گوناگون مصری تقدیم می‌کند. بر اساس تصویری از دیویس (۱۹۵۳: لوح ۲). موزه هنر متروپولیتن. بازنشر با اجازه موزه هنر متروپولیتن. ۲۱۰
- تصویر ۸۰۳: طرح خطی نقوش برجسته دیوار غربی اتاق L در معبد هیبیس که داریوش را به منزله فرعون نشان می‌دهد که بر تخت نشسته است و بر فراز نقش برجسته‌ای با مضمون یکپارچگی دو سرزمین قرار دارد. بر اساس تصویری از دیویس (۱۹۵۳: لوح ۲۶). موزه هنر متروپولیتن. بازنشر با اجازه موزه هنر متروپولیتن. ۲۱۰
- تصویر ۹۰۳: نقش برجسته داریوش به منزله فرعون در حیاط معبد هیبیس. بر اساس عکسی از کاوش‌های دانشگاه نیویورک در هیئت امهیدا. هیبیس، تزیینات معبد IV. بانک تصویر جهان باستان (نیویورک: مؤسسه مطالعه جهان باستان، ۲۰۰۹). بازنشر با مجوز کرییتیو کامنز (CC BY 2.0). ۲۱۱
- تصویر ۱۰۰۳: طرح خطی نقش برجسته حیاط معبد هیبیس که ست را نشان می‌دهد که در حال کشتن آپ است. بر اساس تصویری از دیویس (۱۹۵۳: لوح ۴۲). موزه هنر متروپولیتن. بازنشر با مجوز موزه هنر متروپولیتن. ۲۱۳
- تصویر ۱۰۴: تندیس که به نوعی ژست یا حالت پارسی را تداعی می‌کند. حدود ۵۰۰ تا ۴۵۰ پ.م. از جنس ماسه سنگ. بلند ۲۸ سانتیمتر.

- بالتیمور، موزه هنر والترز با شماره ۲۲.۲۰۸. باز نشر با مجوز کرییتیو کامنز
 ۲۳۸..... (CC0 1.0).
- تصویر ۲۰۴: نقش برجسته شاه بزرگ که بر تخت نشسته است و صاحب منصبی را به حضور خود پذیرفته است، تخت جمشید، ایران، حدود ۵۲۰ تا ۴۸۰ پ.م. این نقش برجسته از خزانه تخت جمشید کاوش شده است که در اصل مربوط به قاب مرکزی نمای شرقی آپادانا بود. تهران، موزه ملی ایران. عکس از یونا لندرینگ که با اجازه او باز نشر شده است. ۲۳۹
- تصویر ۳۰۴: تندیس ملکه نیپر-آسو، حدود ۱۳۴۰ تا ۱۳۰۰ پ.م، شوش، ایران. مفرغ و مس. بلند ۱۲۹ سانتیمتر. پاریس، موزه لوور با شماره ثبت SB 2731. عکسی از لامپره (۱۹۰۵: لوح ۱۵). تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۲۳۹
- تصویر ۴۰۴: تندیس دارای زیارتگاه و ستون پستی ذوزنقه ای شکل، سده پنجم تا چهارم پ.م. از جنس نوعی ماسه سنگ. با بلندای ۴۶.۶ سانتیمتر، پهنای ۱۱ سانتیمتر و قطر ۱۶.۹ سانتیمتر. نیویورک: موزه هنر متروپولیتن با شماره ۲۵.۲۰۱۰. تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۲۴۹
- تصویر ۵۰۴: نموداری که تعداد سال های پادشاهی فراعنه دوره متأخر را بر اساس گاهنگاری لوید (۲۰۱۰: ۳۹-۳۸) نشان می دهد. ۲۵۲
- تصویر ۶۰۴: نموداری که تعداد تندیس های مربوط به فراعنه گوناگون سائیت را بر مبنای توزیع و پراکنش لیهی (1984B) نشان می دهد. ۲۵۲
- تصویر ۷۰۴: تندیس داریوش از شوش. از جنس ماسه سنگ خاکستری. بلندای ۲۰۴۶ متر. تهران، موزه ملی ایران با شماره ثبت ۴۱۱۲. تصویر با اجازه ژان پرو و رمی بوشارلا باز نشر شده است. ۲۶۳
- تصویر ۸۰۴: جزئیات پایه تندیس داریوش از شوش. عکسی از یونا لندرینگ که با اجازه او باز نشر شده است. ۲۶۶

- تصویر ۹.۴: طرحی از استل تل المسخوته. موزه قاهره با شماره ثبت JE 48855. تصویری از گِلنیشف (۱۸۹۰: لوح ۸)؛ تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۲۷۲.....
- تصویر ۱۰.۴: طرحی از استل کابریت. بر اساس تصویری از مینان (۱۸۸۷: ۱۴۵)؛ تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۲۷۳.....
- تصویر ۱۱.۴: در چوبی زیارتگاه یا نائوس داریوش یکم، حدود ۵۲۲ تا ۴۸۶ پ.م. چوب و شیشه. بلندا ۲۸ سانتیمتر و پهنا ۲۳.۵ سانتیمتر. لندن، موزه بریتانیا با شماره ثبت EA37496. باز نشر با اجازه موزه بریتانیا. ۲۷۵.....
- تصویر ۱۲.۴: زیارتگاه یا نائوس چوبی داریوش یکم. حدود ۵۲۲ تا ۴۸۶ پ.م. شیشه و چوب. بلندا ۴۱.۵ سانتیمتر، پایه ۲۸.۵ × ۳۵ سانتیمتر. موزه ملّوی با شماره ثبت ۲۰۰. تصویری از آلن گیلو که با اجازه او باز نشر شده است. ۲۷۷.....
- تصویر ۱۳.۴: استل پدیوسیپیره. حدود ۵۲۲ تا ۴۸۶ پ.م. سنگ آهک. بلندا ۲۹ سانتیمتر و پهنا ۱۹ سانتیمتر. برلین، موزه مصرشناسی با شماره ثبت ۷۴۳۹. تصویری از بورچارت (۱۹۱۱: لوح ۸.۱)، تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر. ۲۸۲.....
- تصویر ۱۴.۴: طرحی از استل جدهربس که در سقاره کاوش شده است. تصویری از آ.آ. بتلز که با اجازه او باز نشر شده است. ۲۸۵.....
- تصویر ۱۵.۴: نقش برجسته تدفینی از جنس سنگ آهک که ۲۳ سانتیمتر بلندا و ۴۵ سانتیمتر پهنا دارد. برلین، موزه مصرشناسی و مجموعه پاپیروس‌ها، موزه ملی برلین. با مجوز کرییتیو کامنز (CC BY-NC-SA) باز نشر شده است. ۲۸۹.....
- تصویر ۱۶.۴: تندیس دارای زیارتگاه متعلق به هوروجا. حدود ۵۲۱ تا ۴۸۶ پ.م. از جنس سنگ ماسه‌ای خاکستری و بلندای ۴۳ سانتیمتر. موزه هنر کلوپلند با شماره ثبت ۱۹۷۸. ۱۹۲۰. تصویری بدون حق چاپ و نشر و تحت لوای مالکیت عمومی. ۲۹۵.....

- تصویر ۱۷.۴: تندیس دارای زیارتگاه متعلق به پتاختپ. حدود ۵۰۰ تا ۴۷۵ پ.م، از جنس سنگ کوارتز و بلندای ۸۴.۵ سانتیمتر. نیویورک، موزه بروکلین با شماره ثبت ۳۷.۳۵۳. تصویر با مجوز کرییتیو کامنز (CC BY) ۳.۰ بازنشر شده است..... ۲۹۷
- تصویر ۱۸.۴: تندیس دارای زیارتگاه متعلق به اوجاهورسنت. حدود ۵۱۹ تا ۵۱۰ پ.م. از جنس سنگ بازالت و بلندای ۵۸ سانتیمتر. واتیکان، موزه آثار مصری گریگوریان با شماره ثبت ۲۲۶۹۰. تصویری از یونا لندرینگ که با اجازه او بازنشر شده است..... ۳۰۱
- تصویر ۱۰.۵: پیاله هخامنشی با نقشمایه های گیاهی. حدود اواخر سده پنجم پ.م. پیاله از گوری در آکروپل شوش در ایران کاوش شده است و جنس آن از نقره است. بلندای ۴.۳ سانتیمتر و قطر ۱۸.۴ سانتیمتر. پاریس، موزه لوور با شماره ثبت SB 2756، تصویری از دمورگان (۱۹۰۵: لوح ۳)، تحت لوای مالکیت عمومی و بدون حق چاپ و نشر..... ۳۲۳
- تصویر ۲۰.۵: پیاله هخامنشی با برجستگی های بیضی شکل به همراه کتیبه ای به زبان فارسی باستان با نام اردشیر یکم. حدود ۴۶۵ تا ۴۲۴ پ.م، جنس نقره. با قطر ۲۹.۲ سانتیمتر، نیویورک، موزه هنر متروپولیتن با شماره ثبت ۸۴.۱۰۰.۴۷، تصویر بدون حق چاپ و نشر و تحت لوای مالکیت عمومی است..... ۳۲۴
- تصویر ۳۰.۵: سرستونی به شکل شیردال از تخت جمشید. حدود میانه سده چهارم پ.م. عکاس ا. دیوی؛ فایل به بنیاد ویکی مدیا کامنز تعلق دارد و با مجوز کرییتیو کامنز (CC BY 2.0) بازنشر شده است..... ۳۲۷
- تصویر ۴۰.۵: طرح خطی ترکیبی اثر مهر PFS 170 (طراح م. ب. گریشن). برگرفته از طرح پژوهشی مهر تخت جمشید و طرح پژوهشی بایگانی باروی تخت جمشید، مؤسسه شرق شناسی دانشگاه شیکاگو..... ۳۲۹
- تصویر ۵۰.۵: بالا: طرح خطی ترکیبی اثر مهر* PFS 1601 (طراح م. ب. گریشن). پایین: طرح خطی ترکیبی اثر مهر* PFATS 400 (طراح ا. ر. م.

- دوسینبر). برگرفته از طرح پژوهشی بایگانی باروی تخت جمشید، مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو. ۳۳۵.....
- تصویر ۶.۵: جزئیات نقش برجسته‌ای از آبادانای تخت جمشید که کاسه‌های هخامنشی را نشان می‌دهد. حدود ۵۱۰ تا ۴۸۰ پ.م. عکسی از فیلیپ مایوالد، فایل به بنیاد ویکی مدیا کامنز تعلق دارد و با مجوز کرییتیو کامنز (CC BY-SA 3.0) بازنشر شده است. ۳۳۷.....
- تصویر ۷.۵: پیاله‌های نقره‌ای کاوش شده از تل تیمای مصر. حدود سده‌های پنجم تا چهارم پ.م. موزه قاهره با شماره‌های CG 53267, 53275. 53277. تصویری از ورنیه (۱۹۲۷: لوح ۱۰۹)، تحت لوای مالکیت عمومی. ۳۴۱.....
- تصویر ۸.۵: پیاله نقره‌ای گنجینه تل المسخوته. حدود سده پنجم پ.م، از جنس نقره، قطر ۲۰.۲ سانتیمتر. نیویورک، موزه بروکلین، با شماره ثبت ۳۳. ۵۴.۵۰. بر اساس تصویری از موزه بروکلین که با مجوز کرییتیو کامنز (CC BY 3.0) بازنشر شده است. ۳۴۲.....
- تصویر ۹.۵: یک قطعه تکرک. حدود سده پنجم پ.م، از جنس بدل چینی و بلندای ۱۰.۸ سانتیمتر، درازا یا طول ۱۱ سانتیمتر و پهنای ۷.۱ سانتیمتر. نیویورک، موزه بروکلین با شماره ثبت ۴۸.۲۹. بر اساس عکسی از موزه بروکلین که با مجوز کرییتیو کامنز (CC BY 3.0) بازنشر شده است. ۳۴۵.....
- تصویر ۱۰.۵: تکرکی سفالی از سووا. حدود سده پنجم تا چهارم پ.م. تصویری از پتری (۱۹۰۶: لوح 37A) و بدون حق چاپ و نشر. ۳۴۶.....
- تصویر ۱۱.۵: کاسه‌های نقره‌ای هخامنشی که از تل تیمای مصر کاوش شده‌اند. حدود سده پنجم تا چهارم پ.م. موزه قاهره با شماره‌های ثبت CG 53274 و 53276. تصاویری از ورنیه (۱۹۲۷: لوح ۱۰۹) و بدون حق چاپ و نشر و تحت لوای مالکیت عمومی. ۳۴۸.....
- تصویر ۱۲.۵: کاسه هخامنشی گنجینه تل المسخوته. حدود سده پنجم پ.م. نقره؛ بلندای ۸.۵ سانتیمتر و قطر ۱۱ سانتیمتر. نیویورک، موزه بروکلین با شماره ۳۲. ۵۴.۵۰. تصویری از موزه بروکلین که با مجوز کرییتیو کامنز (CC BY 3.0) بازنشر شده است. ۳۴۸.....

- تصویر ۱۳.۵: کاسه‌های سفالی هخامنشی از تل دفانه. تصویری از پتری (۱۸۸۸: لوح ۲۴) که تحت لوای مالکیت عمومی قرار دارد و بدون حق چاپ و نشر است. ۳۵۲.....
- تصویر ۱.۶: سکه‌های چهار درهمی گنجینه فیوم (CH 10.442) که در برگیرنده سبک‌های X (KM 1984.01.0330)، B (KM 1984.01.0042) و M (KM 1984.01.0041) باتری هستند. حدود ۴۱۰ تا ۳۵۰ پ.م. نقره. شهر آن آرپور، موزه باستان‌شناسی کلسی. باز نشر با اقتباس از موزه باستان‌شناسی کلسی، دانشگاه میشیگان. ۳۸۸.....
- تصویر ۲.۶: سکه‌های چهار درهمی اردشیر سوم، حدود ۳۴۰ تا ۳۳۸ پ.م. (ANS 2008.15.39) و ساباسس، حدود ۳۳۸ تا ۳۳۳ پ.م. (ANS 1944.100.75462)، از جنس نقره. نیویورک، انجمن سکه‌شناسی آمریکایی. بر اساس تصویری از انجمن سکه‌شناسی آمریکایی و تحت لوای مالکیت عمومی. ۳۹۵.....
- تصویر ۱.۷: طرح‌هایی از نقوش برجسته آرامگاه پتوسیریس در تونه الجبل، حدود ۳۲۵ تا ۳۰۰ پ.م. تصویری از لوفور (۴-۱۹۲۳: الواح ۷ و ۸) که تحت لوای مالکیت عمومی قرار دارد. ۴۱۸.....

فهرست جداول

جدول ۱.۲ گلمهرهای کاخ آپریس در ممفیس.....	۱۲۰
جدول ۱.۶: گنجینه‌های سکه سده پنجم پ.م از مصر.....	۳۶۸
جدول ۲.۶: گنجینه‌هایی حاوی شمش یا نقره تکه تکه شده از مصر دوره متأخر.....	۳۷۰

پیشگفتار مترجم

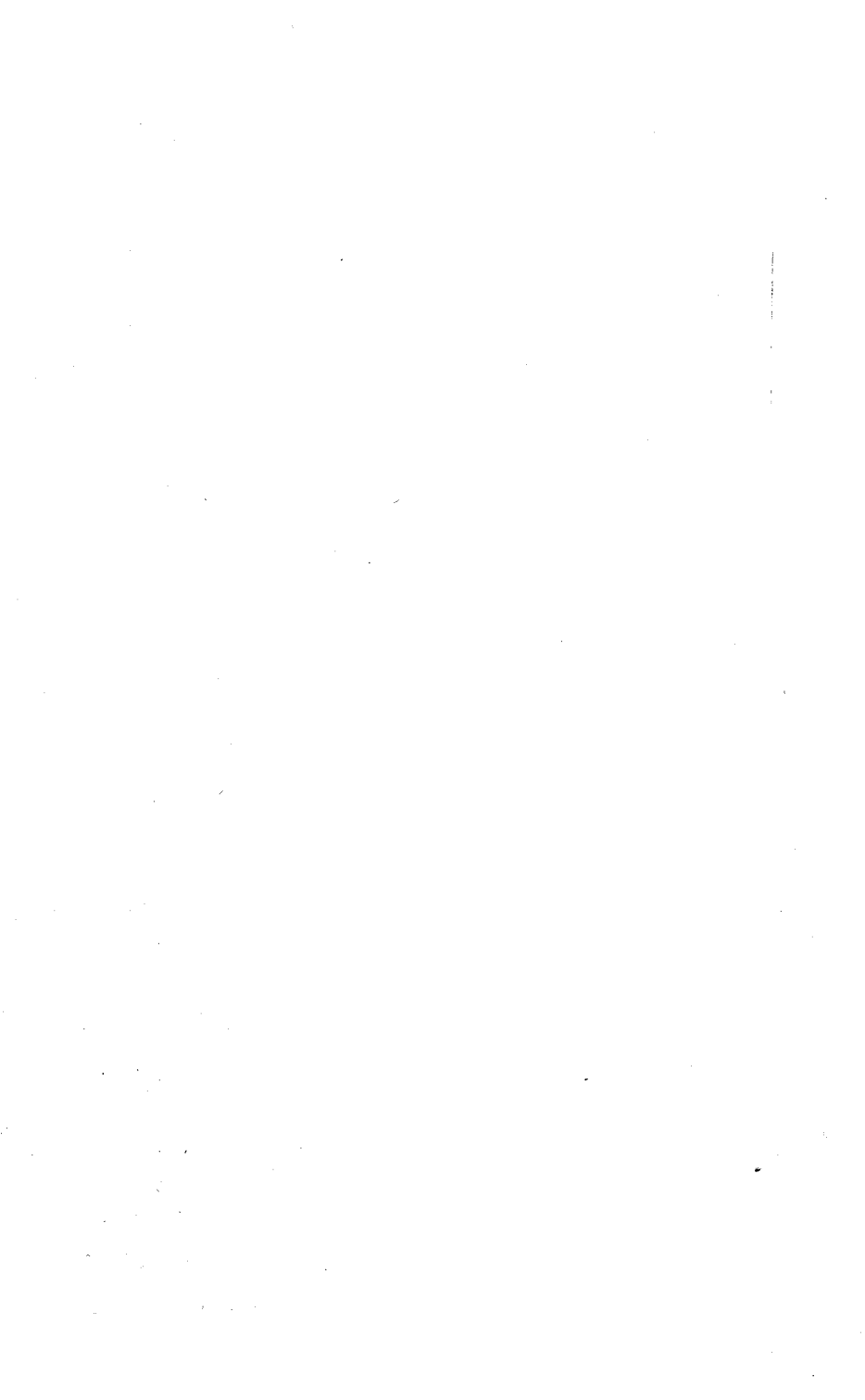
شاهنشاهی هخامنشی یکی از پهناورترین امپراتوری‌های جهان باستان بود که افزون بر دویست سال (حدود ۵۵۰ تا ۳۳۰ پ.م) بر مناطق و سرزمین‌های بیشماری فرمان راند. یکی از این سرزمین‌ها مصر بود که خود پیشینه تمدنی بسیار درخشانی داشت و از نظر هنر، دیوان‌سالاری، مدیریت، اقتصاد، شهرنشینی و معماری بسیار پیشرفته بود. مصر تاریخ پرفراز و نشیبی داشت و فراغه و پادشاهی‌ها و دودمان‌های گوناگون آن مانع کنترل و دست‌اندازی بیگانگان بر آن شده بودند. هرچند پیش از هخامنشیان حکومت‌هایی مانند آشوریان نیز مصر را برای مدت کوتاهی به کنترل خود درآورده بودند، این کمبوجیه، پسر کوروش بزرگ بود که مصر را در ۵۲۶ پ.م تصرف کرد و سلطه هخامنشیان تا سال ۴۰۴ پ.م در آنجا ادامه یافت. بعدها اردشیر سوم در سال ۳۴۰ پ.م پس از مدتی دوباره مصر را به کنترل خود درآورد، هرچند دوره دوم سلطه و چیرگی پارسیان بر مصر بسیار کوتاه بود و با فتح مصر توسط اسکندر مقدونی و شکست نیروهای داریوش سوم، تسلط پارسیان بر مصر به پایان رسید. دوره‌ای که مصر یکی از ساتراپی‌های شاهنشاهی هخامنشی شده بود به «دوره متأخر» نامور شده است و دودمان‌های بیست و هفتم (دوره نخست تسلط پارسیان) و سی و یکم (دوره دوم تسلط پارسیان) به این دوره تعلق دارند.

کتاب پیش رو موجودیت شاهنشاهی هخامنشی را در مصر مورد بررسی قرار داده است. نویسنده کتاب آقای هنری کولبرن با دیدگاه منصفانه‌ای تأثیرات فرمانروایی هخامنشی را در مصر بررسی کرده است. باوجود آنکه مصر

پیشینه تمدنی دور و درازی داشته است و در زمینه‌های گوناگون بسیار پیشرفته بود، ولی نباید تأثیر شاهنشاهی هخامنشی را بر آن نادیده گرفت، به ویژه باتوجه به اینکه بنا به گفته نویسنده این تمدن دارای محافظه‌کاری خاص خود نیز بود. تا پیش از نوشتن این کتاب که برگرفته از رساله دکتری نویسنده است که در سال ۲۰۱۴ میلادی از آن دفاع کرده بود، بیشتر پژوهشگران و مصرشناسان تأثیرات هنری و باستان‌شناختی شاهنشاهی هخامنشی را بر مصر نادیده گرفته بودند و یا توجه اندکی به آن نشان داده‌اند و بسیاری از شواهد، مدارک و داده‌هایی که به احتمال فراوان به دوره هخامنشی مربوط می‌شوند را به دوره‌های پیش و پس از هخامنشیان تاریخگذاری کرده‌اند و یا به طور کلی آنها را مربوط به دوره متأخر دانسته‌اند، ولی نویسنده کتاب با تلاش‌های بسیار خود نشان داده است که حضور و موجودیت هخامنشیان در مصر با استناد به مدارک و شواهد باقی مانده از این دوره بسیار فراتر از چیزی بوده که پیش از درباره آن گفته شده است؛ کولبرن تأثیر هخامنشیان را در معماری، تندیسگری، مهرها، سکه‌ها، فناوری آبیاری و ورود قنات به صحرای غربی و واحه‌های خارجه و داخله، کاسه‌ها، پیاله‌ها و ظروف شاخص نوع هخامنشی، رواج زبان آرامی به ویژه در نظام اداری و دیوان‌سالاری مصری، بازنمایی بصری و شمایل‌نگاری و غیره با دقت و وسواس خاصی بررسی و واکاوی کرده است و حاصل کار او تأثیرات متقابل پارسی- مصری در این زمینه‌ها بوده است. برای نمونه در استل جده‌رس که از سقاره مصر یافت شده است، تأثیرات شمایل‌نگارانه مصری و هخامنشی با هم دیده می‌شود. یکی از مباحث بنیادین این کتاب تجربیات مصریان زیر نظر پارسیان و میزان تأثیرپذیری جامعه شهری و روستایی مصری از فرمانروایی هخامنشیان بوده است. بدیهی است که این تأثیرات برای همه مصریان یکسان نبوده است و تجارب مناطق گوناگون مصر نیز در این زمینه متفاوت بوده است. برخی از مردم مصر همچنان به سنت‌ها

و فرهنگ محلی خود پایبند بودند و برخی دیگر نیز هویت خود را در پیوند با پارسیان می دیدند و از آنها تأثیر پذیرفته و هویت پارسی - مصری خود را شکل دادند که از جمله این افراد می توان به صاحب منصبانی مانند جدهربس و اوجاهورسنت اشاره کرد.

در پایان لازم می دانم از نویسنده محترم این کتاب آقای هنری کولبرن سپاسگزاری کنم. هم به دلیل نوشتن کتابی درباره موجودیت و حضور شاهنشاهی هخامنشی در مصر که پیش از این مغفول مانده بود و توجه چندانی به آن نشده بود و هم به خاطر کمک هایی که در طول ترجمه این کتاب به مترجم کردند؛ دیدگاه ها و نظرات نویسنده در بهبود ترجمه بسیار راهگشا بود. ضمن اینکه او نسبت به ترجمه کتاب خود به زبان فارسی علاقه زیادی نشان داد و از آن استقبال کرد. همچنین، از سرکار خانم دکتر مریم کاشف نیا، مدیر محترم نشر آوشت سپاسگزاری می کنم که از چاپ کتابی درباره باستان شناسی و هنر شاهنشاهی هخامنشی در مصر استقبال کرد؛ از ایشان تشکر می کنم که شرایطی را به وجود آورده اند که پژوهشگران و نویسندگان بتوانند آثار خود را در زمینه تاریخ و فرهنگ گران سنگ ایران زمین در نشر آوشت منتشر کنند.



سپاسگزاری و قدردانی

جرقه نوشتن این کتاب از یک مقاله همایشی در دانشگاه میشیگان زده شد و پس از آن به رساله دکتری تبدیل شد که در سال ۲۰۱۴ میلادی به برنامه میان گروهی هنر و باستان‌شناسی کلاسیک تحویل داده شد. من از رئیس هیئت بررسی، مارگارت روت، به دلیل دلگرمی‌ها و تشویق‌های مستمر، انتقادات روشنگرانه و راهنمایی‌های دقیقش نسبت به رساله و کتابم بسیار سپاسگزارم. رساله و کتاب بدون وجود او به سرانجام نمی‌رسیدند و من مفتخرم که او را راهنما و دوست خود به حساب آورم. از پِث دوسینبر نیز به دلیل بررسی و نقد این طرح پژوهشی و حمایت و پشتیبانی از من از آغاز دوره آموزشی سپاسگزارم. دیگر اعضای هیئت بررسی رساله دکتری من شارون هربرت، ایان مویر، جانیت ریچاردز و تری ویلفونگ با گشاده‌دستی دانش و آگاهی خود را در موضوعاتی مانند سفال، تاریخ فکری و عقلانی یونانی، فرهنگ، زبان و باستان‌شناسی مصری با من به اشتراک گذاشتند. از همه آنها به خاطر کمک‌های ارزنده و تعهدشان نسبت به موفقیت من سپاسگزاری می‌کنم.

بسیاری دیگر از دوستان و همکاران من نیز سخاوتمندانه وقت و تخصص خود را به طور مستقیم و غیرمستقیم در اختیار این کار قرار دادند که بی‌گمان باعث بالارفتن کیفیت این پژوهش شدند. من به ویژه از دامین-آگوت لابورد، آنا بوزر، ست باتن، بلدا دورینگ، سوزان ایننگهاوس، مارک گریشن، ووتر هنکلمن، رایان هیوز، فاطمه اسماعیل، دیوید کلوتر، تام لندواتر، اندی میدوز، یلنا راکبیچ و پیتَر فَن آلفِن به دلیل پیشنهادات و

راهنمایی‌هایشان درباره جنبه‌های گوناگون این پژوهش سپاسگزارم. همچنین، مایلم از دستاوردها و همکاری یوجین کروز-اوریه در مطالعه و بررسی مصر هخامنشی قدردانی کنم؛ او در ماه مه ۲۰۱۸ میلادی به طور ناگهانی درگذشت. من هرگز شخصاً با پروفسور کروز-اوریه ملاقات نکردم و این کتاب نشان خواهد داد که من در همه موارد با تفاسیر او موافق نیستم. اما در عین حال، بدیهی است که هر کسی در حال مطالعه و بررسی دوره پارسی در مصر است، از توانایی علمی و تلاش‌های او برای روشن کردن این گوشه تاریخ مصر بهره فراوانی برده است.

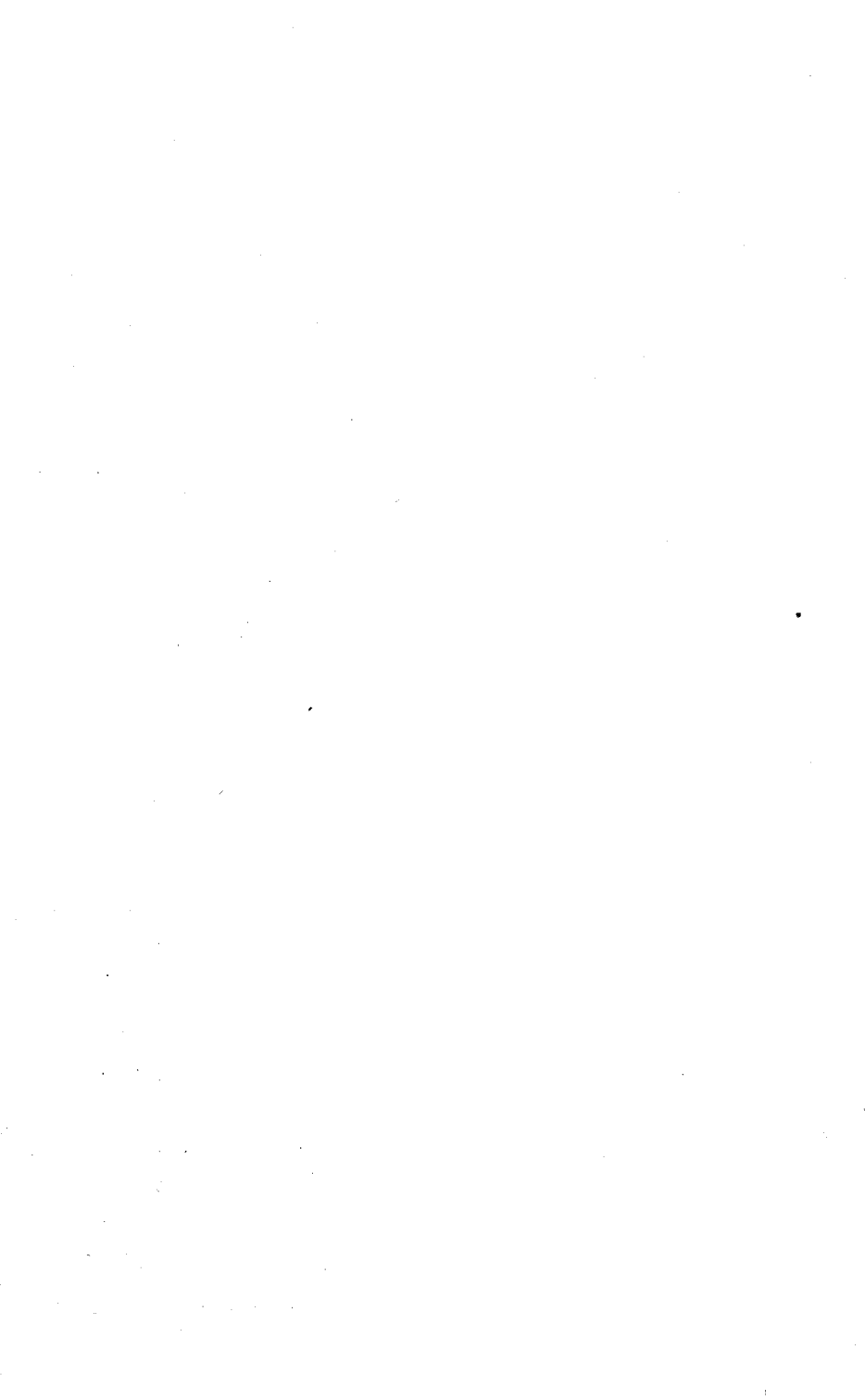
در سال تحصیلی ۱۶-۲۰۱۵ میلادی یک کمک هزینه دوره تکمیلی تحصیلات از مؤسسه پژوهشی گیتی دریافت کردم که این امکان را برای من فراهم کرد تا به بازنگری‌های بنیادین و اساسی در بسیاری از پژوهش‌های تازه بپردازم. من از کارکنان مؤسسه به ویژه الکسا سکیرا، جیمز فیشبرن و پتر بونفیتو به خاطر مهمان‌نوازی و خوشرویی آنها در طول حضورم در آنجا و نیز دسترسی پیوسته به امکانات کتابخانه گیتی پس از پایان دوره تکمیلی تحصیلی‌ام سپاسگزارم. همچنین، مدیون مؤسسات گوناگونی هستم که از زمان ترک میشیگان با پرداخت دستمزد در ازای کار به طور غیرمستقیم از این پژوهش حمایت کرده‌اند: بخش هنر آسیایی و مدیترانه‌ای در موزه‌های هنر هاروارد، گروه کلاسیک در دانشگاه کالیفرنیا، ارواین، گروه تاریخ هنر دانشگاه کالیفرنیا جنوبی و گروه شرق نزدیک باستان در موزه هنر متروپولیتن.

آماده‌سازی تصاویر این کتاب با کمک چندین موزه که الگوی دسترسی آزاد و رایگان انتشار تصاویر مجموعه‌هایشان را در پیش گرفته‌اند، تسهیل شد. من صمیمانه مایلم تا از انجمن سکه‌شناسی آمریکایی، موزه بروکلین، موزه هنر کِلِیولند، موزه باستان‌شناسی کِلِسی، موزه هنر متروپولیتن، موزه دولتی برلین، موزه باستان‌شناسی و انسان‌شناسی دانشگاه پنسیلوانیا و موزه هنر والترز قدردانی کنم. از همه آنها به خاطر خط‌مشی‌ها و رویه‌های روشن‌گرانه و

آینده نگرشان سپاسگزاری می‌کنم. به همین ترتیب، از مؤسسه مطالعه جهان باستان در دانشگاه نیویورک و ویکی کامنز به دلیل در دسترس قرار دادن عکس‌هایی با کیفیت عالی برای همگان قدردانی می‌کنم. همچنین، از الیزابت بتلز به خاطر اجازه بازنشر طرحش از استل جدهریس، بث دوسینبر، مارک گریسن و مارگارت روت به خاطر امکان استفاده از تصاویرشان که حاصل طرح پژوهشی مهرهای تخت جمشید بودند، یونا لندرینگ، تام لندواتر، آلن گیلو، ژان پرو و رمی بوشارلا به خاطر اجازه بازنشر عکس‌هایشان و آبی رنو برای ترسیم نقشه‌ای برای نگارنده سپاسگزاری می‌کنم.

من از کارول مک‌دونالد، دیود لونرگان و سارا فویل در انتشارات دانشگاه ادینبورگ و لوید لولین جونز ویراستار مطالعات ایران باستان ادینبورگ به خاطر کمک و حمایتشان در انتشار این کتاب سپاسگزارم. من از تمایل آنها برای انتشار اثری که با دشواری‌های بسیار همراه بود سپاسگزارم و مدیون فیونا سیول برای ویرایش دقیق و موشکافانه متن نیز هستم.

در پایان، از پدر و مادرم، آلیسون و دیک که این کتاب به آنها تقدیم شده است به دلیل تشویق و ترغیب آنها برای انجام دادن این پژوهش و دیگر تحقیقات که مدت‌ها پیش، خیلی قبل از شنیدن واژه «هخامنشی» آغاز شده بود، سپاسگزاری می‌کنم. آنها همیشه می‌دانستند که من زندگی عجیب و غریبی خواهم داشت و هرگز مرا از گام نهادن در مسیر ناشناخته دلسرد نکردند. همسرم الکسیس نیز در این مسیر با من همراه شد و عشق، همدلی و درک و فهم او مرا در انجام کار علمی و آکادمیک ثابت قدم نگه داشته است. من بدون کمک او تا این جای مسیر نمی‌آمدم.



یادداشتی درباره قواعد و اختصارات

شیوه به کار رفته در این کتاب برای نوشتن نام‌ها و اصطلاحات باستانی و استفاده از اختصارات عمدتاً با توجه به دسترس‌پذیری و دانش و شناخت انجام شده است. در زمینه نام‌ها و جای نام‌ها من تا حد امکان از املاي ترجیحی فهرست شده در دانشنامه مصرشناسی UCLA بهره برده‌ام و از سوی دیگر سعی کرده‌ام از صورت مصطلح آنها مانند «هرودت»، «کمبوجیه» یا «واحه خارجه» استفاده کنم. اما این امر تا اندازه‌ای باعث ناهمخوانی و تناقض می‌شود، اما امیدوارم که دنباله روایت را آسان‌تر کند. هرچند این روش متداول نیست، اصطلاح «دموتیک» در سراسر کتاب به عنوان مخفف «دموتیک مصری» به کار رفته است.

متون یونانی به کار رفته در کتاب ترجمه هستند، مگر اینکه خود عبارت یا جمله‌بندی یونانی مرتبط باشد. متون نوشته شده به زبان‌های مصری و منطقه شرق نزدیک به طور معمول نام‌های متعارف از قبیل «دادخواست پتیزه» هستند که با ارجاعاتی به ترجمه‌های انگلیسی یا ویراست‌های اصلی همراه هستند که در آنها اطلاعاتی بیشتری را می‌توان پیدا کرد. اسناد پاپیروسی نیز بر اساس فهرست‌های بررسی و ویراست‌های یونانی، لاتین، پاپیروس‌های دموتیک و قبطی، سفال‌نوشته‌ها و الواح ذکر شده‌اند (Sosin et al. 2011). در متون فارسی باستان به نظام اختصاری توسعه یافته توسط ر. گ. کنت استناد شده است که به وسیله کورت (۲۰۰۷) به کار گرفته شد. اشیای مصری موزه قاهره یا با شماره کاتالوگ عمومی (CG) یا شماره ثبت (JE)، چنانچه شماره CG

نداشته باشند، نشان داده شده‌اند (برای شرح جامع به بوتمر، ۱۹۷۴ مراجعه کنید).

اختصارات زیر نیز بر اساس شیوه معمول رشته علمی به کار گرفته شده‌اند:
CH: گنجینه‌های سکه (لندن و نیویورک: انجمن سکه‌شناسی سلطنتی و انجمن سکه‌شناسی آمریکایی)
DS: مهرهای داسکیلینون

Hdt: هرودت

IGCH: م. تامپسون، ا. مُرخلم و س. م. کرای (ویراستاران)، فهرستی از گنجینه‌های سکه یونانی (نیویورک: انجمن سکه‌شناسی آمریکایی، ۱۹۷۳)
MPS: مهرهای کاخ ممفیس

PF: بایگانی باروی تخت جمشید

PFATS: مهرهای روی گلنوشته‌های آرامی بایگانی باروی تخت جمشید

PFS: مهرهای بایگانی باروی تخت جمشید

PFUTS: مهرهای روی الواح بدون نوشته از باروی تخت جمشید

TADAE: ب. پورتن و آ. یاردنی، کتاب حاوی اسناد آرامی از مصر باستان، ۴ جلد (اورشلیم: دانشگاه عبری اورشلیم: گروه تاریخ مردم یهودی، ۹۹-۱۹۸۶)

پیشگفتار ویراستار مجموعه

مطالعات ادینبورگ در زمینه پارس باستان بر جهان پارس باستان (ایران پیش از اسلام) و استقبال از آن تمرکز دارد. گرایش و تمایل علمی و جذابیت پارس باستان در دهه های اخیر افزایش پیدا کرده است و پژوهش درباره تاریخ و فرهنگ پارسی بر مطالعات جهان های یونانی و رومی تأثیرگذار بوده است. پژوهش های علمی مرتبط با کتاب مقدس نیز اکنون بیش از هر زمان دیگری نسبت به تاریخ دوره پارسی شناخت پیدا کرده اند و از همه مهم تر اکنون مطالعه تاریخ، فرهنگ ها، زبان ها و جوامع ایران باستان رشته جا افتاده و شناخته شده ای به شمار می رود.

به هر حال پارس در مرکز تمدن های جهان باستان قرار داشت. این مجموعه به بررسی آن مرکزیت در چندین «شاهنشاهی پارسی» پیایی می پردازد. پارس در دودمان هخامنشی (در حدود ۵۵۰ پ.م بنیاد نهاده شد) به بالاترین سطح تأثیر و نفوذ سیاسی و فرهنگی خود دست یافت، زیرا شاهان بزرگ ایران برای این شاهنشاهی که از هند تا لیبی و از مقدونیه تا اتیوپی امتداد داشت، جنگیدند و آن قلمرو را حفظ کردند. هنر و معماری این دوره نیز بیانگر تنوع شاهنشاهی بود و مضمون مستقل و متمرکزی را نشان می دهد: نظم فراگیر و جهانی هماهنگ و سازگار که توسط شاه نیکوکار و نیکخواه پدید آمده است. شاهنشاهی پارسی پس از لشکرکشی های اسکندر مقدونی از هم فروپاشید، ولی برخی از زیرساخت ها و ایدئولوژی های آن در پادشاهی های جدید که به وسیله جانشینان اسکندر به ویژه دودمان سلوکی که سرزمین های ایران غربی، میان رودان، لوانت و آسیای کوچک را اشغال

کرده بودند، ماندگار شد. حتی با گسترش نفوذ یونانی به مناطق پیشین قلمرو هخامنشی، در قلب ایران خاندانی از اشراف به نام دودمان اشکانی برای مقابله با تهدید روز افزون امپراتوری روم سربرآورد. دودمان نیرومند ساسانی از سده سوم میلادی به بعد بر ایران و بیشتر خاورمیانه فرمانروایی می‌کرد و نشان داد که دشمن سرسختی برای دوره متأخر امپراتوری روم و بیزانس به شمار می‌رود. پیدایش دین جدید اسلام در عربستان فروپاشی ناگهانی دودمان ساسانی را در اواسط سده ۶۰۰ میلادی به دنبال داشت.

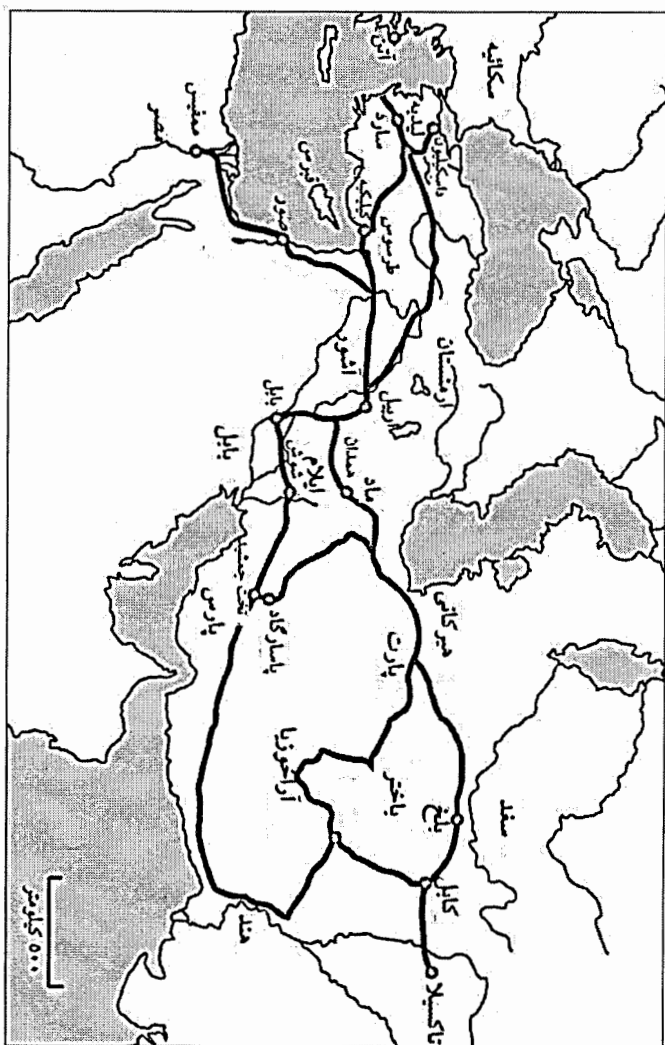
این دودمان‌های پیایی پارسی، داده‌ها و مدارک تاریخی، زبان‌شناسی و باستان‌شناختی را در جهان باستان به جا گذاشتند و مطالعات ادینبورگ در زمینه پارس باستان به پژوهشگرانی که در این موضوعات کار می‌کنند فرصتی را برای انتشار پژوهش‌های اصیل و دست اول و کشف روش‌های جدید در تفسیر دوران باستان ایران در اختیار قرار داده است. در این مجموعه شاهد آثار پژوهشگرانی خواهیم بود که از داده‌های معتبر پارسی و منطقه شرق نزدیک استفاده کرده‌اند و به خود ادراکی ایرانی و کارکردهای درونی جامعه پارسی دسترسی پیدا کرده‌اند و در کنار پژوهشگرانی قرار می‌گیرند که ادراکات جهان پارسی را از بیرون (عمدتاً به واسطه نویسندگان و آثار و اشیای باستانی یونانی و رومی) ارزیابی کرده‌اند. این مجموعه، پژوهش‌های پارس باستان (در زمینه تاریخ-نگاری، هنرها و سیاست) در دوره‌های متأخرتر، چه درون ایران و چه بیرون از آن را نیز بررسی خواهد کرد.

مطالعات ادینبورگ در زمینه پارس باستان بیانگر نقطه عطفی است که نه تنها قدردانی و درک بهتر ما را از میراث فرهنگی پربار و در هم تنیده پارس نشان می‌دهد، بلکه بیانگر اهمیت بسیار هخامنشیان، اشکانیان (پارتیان) و ساسانیان و تأثیری که تمدن‌های چشمگیرشان بر تاریخ گسترده‌تر پارسی، شرق نزدیک و جهان داشته‌اند نیز است.

لوید لولین جونز



نقشه ۱: سرزمین مصر که مکان‌های نامبرده شده در متن کتاب را در بر می‌گیرد و توسط نویسنده از نقشه ویکی مدیا کامنز (Wikimedia Commons) بر اساس مجوز کرییتیو کامنز (Creative Commons) اقتباس شده است.



نقشه ۲: شاهنشاهی هخامنشی که شهرها و مسیرهای اصلی
و مهم را نشان می دهد. طراح آ. ج. رنو.

فصل ۱

بررسی مصر دوره هخامنشی

این تندیس سنگی است که داریوش دستور ساخت آن را در مصر داد، تا هرکس آن را در آینده ببیند، بداند که مرد پارسی مصر را در اختیار داشته است.

۱. تناقض مصر هخامنشی

زمانی که مورخ، قوم‌نگار و قصه‌گوی زبردست یونانی، هرودت هالیکارناسوسی احتمالاً در دهه ۴۴۰ یا ۴۳۰ پ.م به مصر آمد، این کشور نزدیک به یک سده یکی از ساتراپی‌های شاهنشاهی پارسی هخامنشی شده بود. در زمان پادشاهی اردشیر یکم، پسر عموی او آرشامه^۱ با شایستگی در مقام ساتراپ مصر فعالیت می‌کرد. البته هرودت که به علل و خاستگاه‌های جنگ‌های پارسی علاقمند بود، بیشتر به دوره متقدم‌تر تاریخ مصر توجه داشت که با یورش کمبوجیه در سال ۵۲۶ پ.م و رویدادهای پس از آن که سرانجام منجر به پادشاه شدن داریوش یکم در سال ۵۲۲/۲۱ پ.م شد، به اوج خود رسید. البته با وجود شیفتگی هرودت به مصر درک و فهم اندکی از سرزمین مصری که او از آن دیدن کرده بود، وجود دارد. در حالی که بخشی از یونانیان باستان به مصر روزگار هرودت علاقه بسیاری داشتند، ولی پژوهشگران معاصر علاقه نسبتاً کمی به این دوره نشان داده‌اند.

این تنها یکی از تناقضاتی است که مطالعه و بررسی سرزمین مصر در دوره شاهنشاهی هخامنشی نشان می‌دهد که با یورش کمبوجیه در سال ۵۲۶ پ.م

آغاز شد و با شورش آمیرتئوس^۱ در سال ۴۰۴ پ.م (دودمان بیست و هفتم مانتو^۲) پایان یافت. از دیدگاه مصرشناسان دودمان بیست و هفتم به دوره موسوم به «دوره متأخر» تعلق داشته است، یعنی بخشی از تاریخ مصر پس از اوج قدرت حکومت مصری در دوره پادشاهی جدید و دوره چندپارگی و گسستگی سیاسی و دودمان‌های رقیب که با عنوان دوران سوم میانه (دودمان‌های بیست و یکم تا بیست و پنجم) شناخته شده است. در مقابل، در دوره متأخر دو سرزمین مصر علیا و سفلی از نظر سیاسی دوباره یکپارچه شدند: ابتدا زیر نفوذ دودمان بیست و ششم یا سائیت‌ها^۳ و پس از آن به عنوان ساتراپی هخامنشی (دودمان بیست و هفتم) و شاه بزرگ به عنوان فرعون، دوباره زیر نظر فرمانروایان مصری (دودمان‌های بیست و هشتم تا سی‌ام) و سرانجام بار دیگر برای مدت کوتاهی زیر سلطه شاهنشاهی هخامنشی در حد فاصل سال ۳۴۰ تا ۳۳۲ پ.م (دودمان سی و یکم یا دوره دوم پارسی). با توجه به اصطلاحات مرسوم برای دوره‌بندی تاریخ مصر، این یکپارچگی «پادشاهی» دیگری را شکل می‌دهد، البته، اصطلاح «دوره» همچنان پابرجاست، به این معنی که سال‌های حدفاصل ۶۶۴ تا ۳۳۲ پ.م در تاریخ مصر نسبت به پادشاهی‌های کهن، میانه و جدید اهمیت کمتری داشتند. در این میان روایت‌های فروپاشی و انحطاط نیز نقش دارند. برای نمونه، هنوز کتاب‌هایی درباره هزاره نخست پ.م با عنوان‌هایی مانند شامگاه (افول و زوال) مصر باستان^۴ (Myśliwiec 2000) یا غروب (پایان) امپراتوری^۵ (Dodson 2012) وجود دارند که در زمینه دیدگاه نویسندگان درباره اهمیت نسبی این دوره تردیدی باقی نمی‌گذارند. همان‌طور که ج. گ. مانینگ (۱۱، ۲۰۱۰) دریافته است، اصطلاح فرانسوی دوره متأخر (la basse époque) این نگرش را به روشنی بیان می‌کند؛ به این مفهوم که از وجوه تاریخی و فرهنگی جایگاه والایی ندارد.

1. Amyrtaios

2. Manetho

3. Saite

4. The Twilight of Ancient Egypt

5. Afterglow of Empire

از منظر بسیاری از پیروان کلاسیک این قضیه برعکس است، یعنی این دوره پیش از زمانی است که وقایع و امور، جالب توجه و گیرا می‌شوند: آن لحظه تاریخی مهم سر برآوردن اسکندر در حدود سال ۳۲۳ پ.م است. با بنیاد پادشاهی بطالسه، یونانی به عنوان زبان اداری در مصر کاربرد فراوانی پیدا کرد و آن را به استان پاپیروس شناسان و مورخان یونانی تبدیل کرد. نائوکراتیس^۱، مهاجرنشین تجاری یونانی در در دلتای غربی نیل که در اواخر سده هفتم پ.م بنیاد نهاده شد در این زمینه مستثنی است. به طور کلی نائوکراتیس در باستان‌شناسی و تاریخ یونان جایگاه والایی را به خود اختصاص داده است که در این زمینه می‌توان به کتاب راهنمای ارزشمند جان بوردمن (۳۳-۱۱۸، ۱۹۹۹) با نام یونانیان آن سوی مرزها^۲ اشاره کرد. البته تنها یک صفحه از جدیدترین ویرایش این کتاب (بوردمن، ۱۹۹۹: ۱۴۱) که تا به امروز به طور معمول به دانشجویان دوره کارشناسی آموزش داده شده است به سده‌های پنجم و چهارم پ.م در مصر اختصاص دارد. البته این کتاب درباره پارسیان نیست، اما حذف قابل توجه این دوره نشان می‌دهد که گویا در حد فاصل سال‌های ۵۲۶ تا ۳۳۲ پ.م در مصر اتفاق خاصی روی نداده است، دست‌کم تا آنجا که به پیروان اصول و سنت‌های کلاسیک مربوط می‌شود و این امر برخلاف شیفتگی یونانیان آن دوره به این مکان است (Vasunia 2001; Ruzicka 2012). بنا به گفته هرودت (۳.۱۳۹) هنگام یورش کمبوجیه، یونانیان به سه دلیل به مصر سرازیر شدند: تجارت، شرکت در جنگ و یا فقط دیدن این سرزمین (ترجمه ر. واترفیلد) و بدیهی است که آنها در سده پنجم پ.م نیز به این دلایل به مصر سفر می‌کردند.

با وجود نادیده گرفتن دوره هخامنشی در بسیاری از پژوهش‌های علمی مصرشناسی و کلاسیک، این دوره در مصر به دلایل گوناگون از اهمیت فراوانی برخوردار است. نخست اینکه به عنوان دوره پایدار حاکمیت

1. Naukratis

2. The Greeks Overseas

بیگانگان فرصتی عالی برای بررسی مفروضات مرتبط با محافظه‌کاری و نفوذناپذیری نهادهای اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی مصر در برابر نیروهای تغییر بیرونی در اختیار قرار می‌دهد. چنین نهادهایی دست‌کم با توجه به دوره‌های پیشین فراعنه به گستردگی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. بنابراین شناسایی تغییرات که تعامل و تصور مردم از این نهادها در بستر شاهنشاهی هخامنشی به چه صورت بوده است، فرصت‌هایی را برای به چالش کشیدن این مفروضات فراهم می‌کند.

مصر از پتانسیل شگرفی برای مطالعه موردی در زمینه ارزیابی ماهیت و تأثیر شاهنشاهی هخامنشی در یک ساتراپی یا منطقه منحصر به فرد برخوردار است، هرچند مطالعات قابل قیاس اندکی برای آن وجود دارد (برای نمونه، آناتولی 2013 Dusingerre و ارمنستان 2016 Khatchadourian). مصر به دلیل سنت گسترده پژوهش در تاریخ فرهنگی ادوار متقدم‌تر خود به منزله موضوع چنین تحقیقاتی از جذابیت و کشش بیشتری برخوردار است. همچنین با توجه به استمرار میان شاهنشاهی و شیوه‌های حکمرانی در ادوار بعدی، احتمالاً مصر دوره هخامنشی در چندین شاخص بنیادی نمایانگر مصر دوره بطالسه باشد (Manning 2010). این پژوهش این توانایی را دارد که دیدگاه‌های تازه‌ای را درباره دوره بطالسه به جریان بیندازد.

مصر دوره هخامنشی ویژگی اصلی چشم‌انداز فکری، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مدیترانه و منطقه بزرگ‌تر شرق نزدیک به شمار می‌رفت. این سرزمین مصر بود که برای هرودت و دیگر نویسندگان یونانی سده پنجم پ.م شناخته شده بود، سرزمینی که در حدود ۴۶۰ پ.م مورد یورش ناموفق آتنیان قرار گرفت. نویسندگان یونانی مانند آیسخولوس^۱ و توسیدید^۲ نیز بر پاپيروس می‌نوشتند و منطقه‌ای بود که به آتنیان امکان برپایی یک امپراتوری دریایی را

می داد. سرزمین مصر آنچنان برای پارسیان اهمیت داشت که بیشتر سده چهارم پ.م را صرف بازپس گیری آن کردند. مصر در منطقه مدیترانه شرقی در طول دوره کلاسیک یونانیان بسیار اهمیت داشت، هرچند این سرزمین هنوز به خوبی شناخته نشده است.

دشواری شناخت و فهم این دوره شاید به یک اندازه برای پیروان سنت کلاسیک (کلاسیک گرایان) و مصرشناسان با تناقض دیگری روبرو شود، یعنی رویکردهای متفاوتی که به طور معمول درباره دودمان بیست و هفتم دنبال می شود. از یک سو این دیدگاه مرسوم وجود دارد که مصر عمدتاً متأثر از هخامنشیان نبوده است، از سوی دیگر، این دیدگاه وجود دارد که فرمانروایی هخامنشی لزوماً خشن و ستمگر بود که برآیند آن شورش های مکرر بود. هرچند این دیدگاه ها به طور کامل دوسویه نیستند، تطبیق آنها چندان ساده نیست، به ویژه اینکه هر دو دیدگاه در نهایت از فقدان درک تاریخگذاری فرهنگ مادی مرتبط با دودمان بیست و هفتم سرچشمه می گیرند. در مورد نخست، این فقدان به منزله برآیند ماهیت کم توان و زودگذر فرمانروایی هخامنشی تعبیر می شود، حکومتی که تأثیر پایدار اندکی بر مصریان برجای گذاشت (برای نمونه 1994 Johnson). برای مثال در زمینه تندیسگری فقدان هرگونه تأثیر آشکار هنر هخامنشی بر مصر، کم توانی فرمانروایی هخامنشی در این زمینه و نفوذناپذیری فرهنگ مصری در برابر تأثیر بیگانگان دیده می شود. در مورد دوم این فقدان بیانگر ستمگری است، مانند سرکوب کردن، ویرانی معابد و تحمیل خراج سنگین (در این زمینه به 2000 Sternberg-el Hotabi نگاه کنید). بار دیگر تندیسگری گویای این موضوع است، زیرا فقدان تندیس های مرتبط با این دوره اغلب بیانگر رکود و رخوت هنری ناشی از انحطاط اقتصادی و احساس ناخوشایندی از سوی مصریان است.

این دو تفسیر عمدتاً متضاد که درباره مجموعه ای از شواهد همسان وجود دارد، به روشنی دشواری های مطالعه این دوره را نشان می دهد. مسئله اصلی

کمبود ملموس و محسوس داده‌های باستان‌شناختی مربوط به دودمان بیست و هفتم است که همانطور که پیش از این گفتیم هر دو دیدگاه غالب دوره را متأثر می‌کند. این کمبود داده‌ها نه تنها به این دلیل مسئله‌ساز است که داده‌های اندک تفسیر را دشوارتر می‌کند، بلکه به این علت است که این کمبود نه از فقدان شواهد باستان‌شناختی و نوشتاری بازیابی شده که ناشی از تعصبات و سوگیری‌های سختگیرانه است. دیوید آستون (۱۹۹۹) در مقاله مهم خود با استناد به مجموعه‌های تدفینی خاطر نشان کرده است که فقدان داده‌ها و مواد فرهنگی مرتبط با دودمان بیست و هفتم احتمالاً برآیند رویه‌های پژوهشی بوده باشد، به ویژه انتساب یک آرامگاه یا شیء به دودمان بیست و هفتم تنها هنگامی صورت می‌گیرد که منابع نوشتاری همراه آن یافت شده باشد. آستون بر این باور است که هر چیز دیگری به صورت پیشفرض به دودمان‌های بیست و ششم و سی‌ام، یعنی حکومت‌های بومی مصر منتسب می‌شود، به عبارت دیگری برای تاریخگذاری داده‌ای به دودمان بیست و هفتم نسبت به دوره‌های دیگر معیارهای گاهنگارانه مشخص‌تری وجود دارد و اگر شینی با این معیارها مطابقت نداشته باشد بدون هیچ دلیل یا توجیهی به پیش یا پس از این دوره تاریخگذاری می‌شود.

آستون درباره خاستگاه این رویه به حدس و گمان روی نیاورده است، اما به راحتی می‌توان حدس زد که تصورات ضمنی مرتبط با سلطه‌طلبی (امپریالیسم) هخامنشی آنچنان در مطالعات دوره متأخر نفوذ کرده است که حتی بر گاهنگاری‌های اشیاء نیز تأثیرگذار است. از این رو، صرف گردآوری مجموعه‌ای از داده‌ها و مواد فرهنگی دوره حکمرانی هخامنشیان کافی نیست. همچنین، بررسی بنیان‌های تاریخ‌نگاری و معرفت‌شناختی دوره متأخر به طور کلی و فرمانروایی هخامنشی به طور خاص ضروری است، زیرا این عوامل می‌توانند تأثیرات شگرفی بر ایجاد چنین مجموعه‌هایی و نیز تفاسیر مرتبط با آن داشته باشند.

هدف این کتاب گشودن تناقض مصر دوره هخامنشی با مطالعه فرهنگ مادی این دوره است. برخلاف منابع نوشتاری که از پیشینه دور و دراز پژوهشی برخوردار هستند و به مطالعات کلاسیک ژرژ پوزنر (۱۹۳۶) و کتاب او با عنوان «*La premiere domination perse en Égypte*» (دوره نخست تسلط پارسیان بر مصر) باز می‌گردد، باستان‌شناسی دوره هخامنشی چندان مورد توجه قرار نگرفته است. همچنین، در زمینه مطالعه منابع دموتیک و آرامی پیشرفت شایان توجهی در این دوره حاصل شده است (برای نمونه به Agut-Labordère 2017; Schütze 2017 مراجعه کنید) که از جمله می‌توان به انتشار کتاب اسناد آرامی از مصر باستان اشاره کرد (Porten and Yardeni 1986-99)، اما باستان‌شناسی پا به پای این پیشرفت‌ها حرکت نکرده است که بی‌گمان بخشی از آن به دلیل دشواری تاریخ‌گذاری اشیاء و گونه‌های خاص و به کارگیری انواع متفاوتی از فرهنگ مادی برای پرداختن به یک مسئله واحد است.

البته باستان‌شناسی برای شناخت این دوره اهمیت بسیاری دارد. بقایای باستان‌شناختی مانند بیشتر پاپیروس‌های دموتیک و آرامی تنها به قلمرو مصر علیا محدود نمی‌شوند و به وسیله مردمانی از طبقات گوناگون تولید شده‌اند و تنها به کسانی که در اسناد پدیدار شده‌اند، منحصر نمی‌شوند. باستان‌شناسی ابزارهای دستیابی به تصمیمات افراد و گروه‌ها درباره اشیایی است که آنها در طول زندگی و هنگام آمادگی برای مرگشان از آن استفاده می‌کنند. به دلیل اینکه این گزینش‌ها در زمینه گسترده‌تر اجتماعی روی داده است که پیر بوردیو (۱۹۹۰: ۵۲) آن را عادت‌واره یا طبیعت ثانویه^۱ می‌نامد، می‌توان آن را با این دید واکاوی کرد که به سمت بازسازی بخشی از آن بافت گام برمی‌دارد. افزون بر این، رویکرد باستان‌شناختی هم مقایسه را با سایر ساتراپی‌های شاهنشاهی که در معرض بررسی‌های باستان‌شناختی قرار دارند و هم دیگر امپراتوری‌های پیشامدرن که با بقایای مادی خود شناخته می‌شوند، تسهیل می‌کند.